

آثار و پیامدهای قیام امام حسین (علیه السلام) در مسیر تمدن اسلامی

امیرعلی حسنلو*

چکیده

نهضت امام حسین (علیه السلام) در سال ۶۱ هجری قمری، یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ اسلام به شمار می‌رود که پیامدهای عمیق و گسترده‌ای بر تمدن اسلامی برجای نهاده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی-تاریخی به بررسی آثار و پیامدهای این نهضت در حوزه تمدن اسلامی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قیام عاشورا ضمن ایجاد روح وحدت و همبستگی میان مسلمانان، به تجلی اسلام ناب و تفکیک آن از اسلام تحریف شده اموی انجامید. این نهضت زمینه‌ساز شکل‌گیری و سازمان‌دهی پیروان اهل‌بیت (علیهم السلام) گردید و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک وظیفه الهی و اجتماعی در سطحی گسترده مطرح ساخت. همچنین قیام امام حسین (علیه السلام) با افشای ماهیت نامشروع حکومت اموی و عباسی، الگویی ماندگار برای مبارزه با استعمار و استبداد در طول تاریخ اسلامی ارائه داد. درس‌های فرهنگی و اجتماعی این نهضت، از جمله برابری اسلامی، ایثار، شجاعت و آزادگی، به عنوان میراثی گرانبها برای تمدن اسلامی به یادگار مانده است. این مقاله با تأکید بر استمرار تأثیرات نهضت حسینی در دوره معاصر، بر نقش آن در بیداری اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: نهضت امام حسین (علیه السلام)، تمدن اسلامی، عاشورا، امر به معروف و نهی از منکر، مشروعیت سیاسی، استعمارستیزی، وحدت اسلامی.

*. دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی، hasanloo1349@yahoo.com.

مقدمه

تمدن اسلامی، به عنوان یکی از غنی‌ترین و پایدارترین تمدن‌های بشری، مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی است که در طول قرون متمادی توسط مسلمانان پدید آمده است. بنیان‌گذار این تمدن عظیم، پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که با ارائه دین مبین اسلام، عناصر تمدن‌ساز را در ذات این آیین آسمانی نهادینه ساخت. از این رو اسلام را می‌توان تمدن‌سازترین دین ابراهیمی دانست؛ چرا که آموزه‌های غنی و متون دینی آن، ظرفیت بالایی برای ایجاد و توسعه تمدنی پویا و انسان‌ساز داشته است.

با رحلت پیامبر اکرم ﷺ، جامعه اسلامی با چالش‌های بزرگی مواجه گردید. انحراف از مسیر اصلی اسلام و تفسیرهای ناصواب از آموزه‌های دینی، تهدیدی جدی برای هویت و ماهیت تمدن اسلامی به شمار می‌رفت. در چنین شرایطی، قیام امام حسین (علیه السلام) به عنوان حرکتی اصلاحی و احیاگر، پاسخی الهی به این انحرافات بود. این نهضت عظیم که در واقع دفاع از حیثیت دین تمدن‌ساز اسلام در برابر تفسیرهای واژگون شده محسوب می‌شد، تأثیرات شگرفی بر مسیر تمدن اسلامی برجای نهاد که همچنان پس از قرن‌ها، آثار و برکات آن در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود. قبل از ورود به بحث مناسب است به پیشینه این موضوع اشاره شود.

اگرچه با عنوان «آثار و پیامدهای نهضت امام حسین (علیه السلام) برای تمدن اسلامی» تحقیق نشده است، اما پژوهش‌های انجام شده در این حوزه را می‌توان به دو دسته کلان تقسیم کرد: نخست آثاری که بر بازسازی تاریخی و تحلیل وقایع تکیه دارند (مانند آثار رسول جعفریان و مهدی پیشوایی) و دوم آثاری که با رویکرد جامعه‌شناختی و تمدنی، پیامدهای این نهضت را به عنوان الگوی پویایی تمدن اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند (مانند آثار استاد جوادی آملی و شهید مطهری). باین حال شکاف پژوهشی موجود در این است که کمتر اثری به صورت «نظام‌مند»، سازوکار تأثیرگذاری قیام حسینی را بر «ساختارهای تمدنی» (مانند نظام آموزش، نظام سیاسی و نظام عدالت اجتماعی) در دوران معاصر تبیین کرده است. مقالات موجود نیز با عنوان فوق مطابق نیست، اما مقالاتی با عنوان نقش قیام عاشورا در بازخوانی مشروعیت سیاسی در تمدن اسلامی (بررسی تحول مفهوم «امت» و «امامت») و عاشورا به مثابه مؤلفه هویت‌ساز در تمدن اسلامی (تمرکز بر انتقال پیام حماسی



به لایه‌های فرهنگ عمومی) لگوی اصلاح‌گری در سیره حسینی و تأثیر آن بر جنبش‌های تجددخواه اسلامی نوشته شده است.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، تبیین ابعاد مختلف تأثیرگذاری نهضت امام حسین (ع) بر تمدن اسلامی است. پرسش اصلی پژوهش این است که قیام عاشورا چه پیامدها و دستاوردهایی برای تمدن اسلامی به همراه داشته و چگونه توانسته است مسیر تاریخ اسلام را تحت تأثیر قرار دهد؟ برای پاسخ به این پرسش، با روشی تحلیلی-تاریخی و با استناد به منابع معتبر، به بررسی محورهای اساسی از آثار و پیامدهای تمدنی این نهضت می‌پردازیم؛ این دستاوردها را می‌توان در چند عنوان کلی طرح و مورد بررسی قرار داد.

الف) دستاوردهای فرهنگی و معنوی نهضت عاشورا برای تمدن اسلامی

تمدن عبارت است از شبکه‌ای به هم پیوسته از دستاوردهای مادی و ارزش‌های معنوی که در پرتو یک جهان‌بینی منسجم، بستر تحقق غایات والای انسانی و نظم اجتماعی پایدار را فراهم می‌آورد (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳). فرهنگ، منظومه‌ای از باورها، ارزش‌ها و سنت‌های مشترک است که هویت جمعی یک جامعه را بنیان نهاده و الگوهای رفتاری و کنش‌های اجتماعی اعضای آن را در بستر تاریخ جهت‌دهی می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۴، ص ۵۸؛ مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). فرهنگ، به مثابه «روح» و زیرساخت معنایی، جهت‌دهنده تمدن است و تمدن، در حقیقت، تجلی عینی و ساختاریافته فرهنگ در ساحت‌های مادی، نهادی و مدیریتی جامعه محسوب می‌شود؛ از این رو، تمدن بدون فرهنگ، کالبدی تهی از غایت و فاقد هویت زنده است (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۳۰). تمدن در بنیادین‌ترین تعریف خود، حاصل «نظم اجتماعی، انگیزش اخلاقی و غلبه بر انحطاط ارزشی» برای صیانت از کرامت انسان است. نهضت حسینی با صورت‌بندی مفاهیمی چون «نفی استبداد»، «عدالت‌طلبی» و «مسئولیت اجتماعی» نرم‌افزار فکری و روحی جامعه اسلامی را از انسداد و بازگشت به جاهلیت نجات داد؛ این قیام با معرفی شاخص‌های جهان‌شمول مانند حق‌مداری و ایثار، بستر فرهنگی لازم برای پویایی، خودآگاهی و ساخت نهادهای مقاومت تمدن‌ساز را در بستر تاریخ فراهم ساخت.

در نتیجه، عاشورا نه یک گسست سیاسی مقطعی، بلکه یک «احیاگر تمدنی» بود که

پایداری معنوی و اخلاقی لازم برای حیات و استمرار تمدن اسلامی را بازتولید کرد؛ همچنین نقطه چرخش و پیوند تاریخی است که با احیای ارزش‌های اصیل در بزنگاه‌های انحطاط، مانع از فروپاشی معنایی یک تمدن شده و بقای روح و حرکت آن را تضمین می‌کند. عاشورا با ممانعت از استحاله تمدن اسلامی به یک امپراتوری خودکامه و تهی از اخلاق نبوی، به مثابه مفصلی عمل کرد که پیوند امت را با عدالت و رسالت اصلی حفظ کرد. این رویداد با بازسازی نرم‌افزار اخلاقی جامعه، روح مقاومت و حق‌طلبی را به کالبد تمدن تزریق کرد تا حیات آن از یک ساختار سیاسی فرساینده، به یک حقیقت پویای تاریخی ارتقا یابد؛ در نتیجه عاشورا با تضمین تداوم آرمانی، تمدن اسلامی را از خطر فروپاشی معنایی نجات داد و بستری برای استمرار واقعی و قدسی و الهی آن در تاریخ فراهم ساخت.

نهضت حسینی هرچند در کوتاه‌مدت به دگرگونی سیاسی نینجامید، با آشکار کردن فاصله قدرت اموی از عدالت و اخلاق اسلامی، معیاری ماندگار برای نقد قدرت پدید آورد؛ تأکید بر اصلاح امت، امر به معروف و نفی بیعت با حاکم ستمگر، به تقویت وجدان دینی و ارزش‌هایی چون عدالت‌خواهی و مسئولیت‌پذیری در فرهنگ اسلامی کمک کرد (مفید، همان، ج ۲، ص ۳۲-۳۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۰). ازاین‌رو فایده تمدنی آن را می‌توان در پاسداری از حافظه اخلاقی اسلام و الهام‌بخشی به جنبش‌های اصلاحی پس از آن دانست (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۵۵-۳۶۰).

بنابراین همه دستاوردهای تمدنی نهضت عاشورا برآمده از زمینه‌های فرهنگی است. همه آنچه در این مقاله عنوان شده بر روی بسترهای فرهنگی شکل گرفته که حاصل قیام امام حسین (علیه السلام) و ظلم‌ستیزی نهضت عاشوراست. بر این اساس از دیگر آثار تمدنی نهضت حسینی در گستره تمدن اسلامی، الهامات و درس‌های فرهنگی نهضت حسینی است که از این نهضت عاید ممالک اسلامی و مسلمانان شده است. این آثار دستاورد نهضت حسینی برای تمدن اسلامی است. تردیدی نیست که زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در جمیع ابعاد، الگوی تمام و سرمشق کامل برای انسانیت و بشریت در جست‌وجوی کمال و سعادت می‌باشد. الگوپذیری از آن‌ها حیات‌بخش بوده و احیا ارزش‌های متعالی انسانی و الهی را به همراه دارد. خداوند متعال در قرآن خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان



آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر (ص) را اجابت کنید هنگامی که شما را به‌سوی چیزی دعوت می‌کند که شما را حیات می‌بخشد...» (انفال، ۲۴)؛ یعنی سنت رسول خدا و امامان معصوم (ع) که عبارت از گفتار و دعوت، رفتار و سیرت و امضا و تأیید آن بزرگواران می‌باشد، سرمشق و الگوی مؤمنین است و بر همه لازم است که از آن‌ها تبعیت نمایند تا از حیات و زندگی انسانی الهی برخوردار شوند.

نهضت و قیام تاریخی امام حسین (ع) که در راستای استمرار دعوت نبوی و خلافت علوی و به هدف زدودن زنگارهایی که توسط حکام خودکامه و بیگانه از اسلام اموی و فرصت‌طلبان یهودی بر سیمای اسلام ناب نشسته بود صورت گرفت، سراسر درس است و به‌منزله مدرسه‌ای است که حامل همه ایده‌های اصلی و اصیل اسلام است و گویی برای ایجاد یک نمایش حماسی و تجلی عشق الهی، مساوات اسلامی و عواطف انسانی، همه در آخرین اوج به‌وسیله قهرمان‌های مختلف از پیر و جوان، زن و مرد، آزاد و برده، بالغ و کودک، به‌وجود آمده و همه ابعاد اسلام (سیاسی، اجتماعی و نظامی) را نشان می‌دهد؛ هم توحید و عرفان و عشق الهی و تسلیم و رضا و محبت و پاک‌بازی با خدا و هم درعین‌حال جنبه اعتراض و پرخاشگری شدید (بر ستمگران) و همدردی با محرومان، هم حماسه اخلاقی، تحرک، شجاعت و حماسه انسانی، هم وعظ و اندرز و سکون (و ثبات) خاص به آن، هم برابری و مساوات اسلامی و هم تجلی عالی‌ترین عواطف اخلاقی و اسلامی، ایثار و فداکاری (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۴۳)؛ لذا از قتل حسین (ع) در دل‌های مؤمنان سوزشی است که هرگز به سردی نمی‌گراید (حاجی نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۷).

امام حسین (ع) و نهضت خونین آن حضرت، از نظر تجدید حیات سیاسی، اخلاقی و اجتماعی اسلام و از نظر برانگیختن احساسات انقلابی و حماسی نمونه و الگویی بی‌نظیر در اسلام است.

۱. الهی بودن نهضت و اصلاح‌طلبی

اصلاح‌طلبی حسینی، فراتر از تغییر حاکمان، یک «جهاد معرفتی» برای بازگرداندن قطار تمدن اسلامی به ریل سیره نبوی بود؛ ازاین‌رو الهی بودن این قیام، نه یک شعار انتزاعی،

بلکه زیربنای عقلانیت سیاسی در تمدن نوین اسلامی است (مطهری، ۳۹۰، ج ۱، ص ۹۲-۹۵؛ جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸-۱۸۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۵-۴۹). از مشخصه‌ها و معیارهای تمدن اسلامی، الهی بودن مبانی آن هست؛ وگرنه تمدن‌های زیادی در طول تاریخ بشر وجود داشته‌اند که مؤلفه و معیارهای مادی داشته‌اند که به ظلم و ستم پرداخته‌اند؛ بنابراین بدون تردید یکی از مهم‌ترین پیام‌ها و درس‌های سیاسی، اجتماعی نهضت و قیام امام حسین (علیه السلام)، جنبه الهی بودن آن و در راستای اصلاح‌طلبی و راست کردن کجی‌های موجود در جامعه اسلامی آن روز می‌باشد. قیام امام حسین (علیه السلام) به عنوان الگوی «اصلاح انقلابی» می‌تواند تمدن اسلامی را از انحطاط نجات داده و به سمت کمال مطلوب (مدینه النبی) سوق دهد (طباطبایی و خسروشاهی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۵). امام حسین (علیه السلام) در وصیت‌نامه معروفش خطاب به برادرش محمدبن حنفیه که یکی از اسناد کلیدی در تحلیل انگیزه قیام کربلا و فلسفه سیاسی این حرکت اصلاح‌گرایانه است می‌فرماید: «بسم الله الرحمن الرحيم: این آن چیزی است که وصیت کرد حسین بن علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) به برادرش محمد، معروف به «ابن حنفیه» که حسین گواهی می‌دهد هیچ معبودی نیست جز خدای یگانه که او را هم‌تا و شریکی نیست و آن‌که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده اوست، دین حق را از نزد حق آورده است و این‌که بهشت و دوزخ حق است و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست و خداوند برمی‌انگیزاند کسانی را که در قبورند و من بیرون نیامدم برای تفریح و اظهار کبر و نه برای فساد و ظلم، بلکه خارج شدم، برای اصلاح امت جدّم (صلی الله علیه و آله) و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیرت جد و پدرم علی بن ابی‌طالب رفتار کنم...». این وصیت‌نامه در منابع شیعه (قمی، ۱۳۷۹، ص ۷۵؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۴۶) و اهل سنت گزارش شده است (سبط‌بن جوزی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۱۸؛ خوارزمی، موفق بن احمد، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۳۳؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۸۹).

نهضت حسین و نهضت‌های حسینی در طول تاریخ «یک حماسه مقدس و یک حماسه مطلق است؛ یعنی به‌خاطر یک قوم و یک ملت به‌خصوص نیست، (بلکه) برای انسانیت است و بالاتر، در راه خداست؛ یعنی در راه هماهنگی با هدف‌های کلی خلقت است و این

است معنای این که در راه رضای خداست... دیگر این که مقدس است. از نظر فردی هیچ گونه انگیزه شخصی، فردی، جاه، مقام، در کار نیست. برای مقدسات بشریت است، در راه توحید، مبارزه با (ستم و ظلم و برای تحکیم عدل و عدالت) آزادی و حمایت از ستم‌دیدگان است. از این نظر یک حماسه الهی، جهانی و انسانی است» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۱۷-۳۱۸).

۲. استقلال فکری و اعتماد به نفس

تردیدی نیست که از مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن‌ها و ترقی آن‌ها برخورداری از تفکر و پشتوانه عقلی و فکری و اراده جدی و اعتماد به خود برای شکل‌دهی آن، یک ضرورت است؛ وگرنه تمدن بدون پشتوانه فکری مستقل و اعتماد جدی تمدن‌سازان بی‌معناست. استقلال فکری و اعتماد به نفس، به مثابه موتور محرک تمدن، پیش شرط عبور از «انفعال فرهنگی» و آغاز فرایند خودباوری برای بازتولید قدرت اجتماعی است؛ چرا که جوامع فاقد هویت مستقل، به جای نقش‌آفرینی تمدنی، در چرخه تقلید منفعلانه گرفتار شده و توان ابداع ساختارهای نوین را از دست می‌دهند (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲).

بنابراین بی‌تردید یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردها و درس‌های مکتب عاشورا برای همه جوامع انسانی به‌ویژه امت اسلامی این است که نهضت‌گران حسینی در همیشه تاریخ، همچون امام حسین (ع)، اگرچه از نظر عدد در اقلیت بوده‌اند، اما دارای استقلال فکری‌اند؛ یعنی از خود اصول و مبادی و فلسفه در زندگی داشته‌اند و به آن ایمان و اعتماد داشته و در روح خود نسبت به آن نوعی حماسه موجود بوده است که مانع جذب شدن فرد یا اجتماع در افراد و اکثریت موجود می‌گردد، که از آن به غرور دینی یا غرور اجتماعی، فرهنگی و مذهبی یاد می‌کنند. «این که می‌گویند امام حسین (ع) اسلام را زنده کرد، تجدید حیات کرد، با خون خود نیرو داد و آبیاری کرد، به این نحو است که حماسه اسلام را احیا کرد، به روح‌ها شخصیت، حریت، غیرت، آزادگی، ایده (و استقلال فکری) داد و خون‌ها را به جوش آورد، رخوت و سستی را از بدن‌ها گرفت و روح‌ها را به حرکت آورد، حماسه مبارزه با کفر، ظلم و ستم را احیا و تجدید کرد» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴).

۳. تجلی ارزش‌های والای انسانی

یکی دیگر از دستاوردهای مهم و درس‌های معنوی ارزشمند نهضت حسینی، تجلی‌گاه ارزش‌های بلند انسانی است؛ از جمله مروت و انسانیت در همه خلال حادثه، از بین راه تا دهم محرم، همچون آب دادن به سپاه دشمن در برخورد با سپاه هزار نفری حر، قبول توبه حر، حاضر نشدن به این‌که ابتدا به تیراندازی (و جنگ) کند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۴۶). ایثار یاران و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در روز عاشورا و سبقت گرفتن بر یکدیگر در مبارزه و شهادت، وفاداری و نهایت عشق به رهبری قیام به‌گونه‌ای که ابوالفضل العباس (علیه‌السلام) هنگامی که وارد شریعه فرات گردید، در نهایت عطش و تشنگی، از نوشیدن آب، به خاطر این‌که امام حسین (علیه‌السلام) تشنه است خودداری کرد. اظهار شفقت و رأفت انسانی اسلامی، به‌گونه‌ای که در هر فرصتی امام (علیه‌السلام) و یارانش از موعظه و راهنمایی سپاه دشمن دست برداشته و در هدایت و نجات آن‌ها از گمراهی و هلاکت تلاش نمودند و هیچ‌گاه دشمنی و عناد و سبک‌سری و بی‌ادبی مخالفان، امام و یارانش را از رسالت الهی‌اش که هدایت مردم بوده، باز نداشت؛ شعاع نور این جلوه‌گری‌های نهضت عاشورا در طول تاریخ همواره وجود داشته و برقرار بوده است؛ از جمله در جنگ تحمیلی هشت ساله و دفاع مقدس که جوانان غیور ایران در دفاع از وطن به نمایش گذاشتند؛ در واقع گفتمان عاشورایی، مشروعیت دفاع در برابر تجاوز را برای رزمندگان تعریف می‌کرد و ایثار حسینی به «الگوی رفتاری» در جبهه‌ها تبدیل شد (علایی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۵). در طول جنگ تحمیلی هشت ساله الهام‌بخش‌ترین الگوی رزمندگان شخصیت و نهضت امام حسین (علیه‌السلام) بود که جان‌برکف در مقابل دشمن از جان‌های خود گذشتند (سنگری، ۱۳۸۵، ص ۹۸-۱۰۴). در این زمینه گواه روشن و سند متقن وصیت‌نامه‌های برجای مانده از شهدای جنگ تحمیلی است، که فرماندهان و رزمندگان نشان می‌دهند که چگونه قیام کربلا به‌عنوان «الگوی نهایی» برای انتخاب مسیر شهادت و دفاع از وطن مورد استناد قرار می‌گرفته است (فهیمی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

۴. برابری اسلامی و کرامت انسانی

درس اصول اجتماعی و برابری اسلامی که در نهضت اسلامی و ولایی امام حسین (علیه‌السلام) تبلور



یافته، به گونه‌ای برجسته است که نظیرش در هیچ‌یک از قیام و انقلاب‌های جهانی در عالم نمی‌توان یافت؛ در روز عاشورا مشاهده می‌کنیم که امام (ع) به عنوان رهبر قیام، همان گونه که بر سر کشته فرزند جوانش علی‌اکبر حاضر می‌گردد و سر او را بر دامن می‌گذارد، بر سر کشته یک غلام یعنی «جون» حاضر می‌شود و صورت نورانی‌اش را بر صورت غلام سیاه می‌گذارد و در حق او می‌گوید: «خدایا روی او را سفید و بوی او را نیکو گردان و او را با نیکان محشور فرما و بین او و محمد و آل او، آشنایی برقرار فرما» (قمی، ۱۳۷۹، ص ۷۵؛ مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۴۶).

این برابری و کرامت انسانی که در کربلا به اوج خود رسید، درسی ماندگار برای تمامی جوامع اسلامی و بشری است که ارزش انسان‌ها به رنگ و نژاد و موقعیت اجتماعی آنان نیست، بلکه به تقوا و ایمان و عمل صالح آنان بستگی دارد.

ب) دستاوردهای سیاسی نهضت عاشورا برای تمدن اسلامی

نهضت عاشورا افزون بر دستاوردهای فرهنگی، دستاوردها و آثار سیاسی پرشماری نیز برای جوامع اسلامی، مسلمانان و تمدن اسلامی داشته است که قابل توجه و بررسی است. در اینجا به برخی از این دستاوردها و آثار اشاره می‌شود.

۱. امت‌سازی برپایه باورهای دینی به جای پیوندهای قبیله‌ای

یکی از شاخصه‌های تمدن جاهلی، تعصبات نژادی، قبیله‌ای و قومی بود. این از عوامل عقب‌ماندگی جامعه جاهلی شمرده می‌شود. نهضت عاشورا کاملاً فراقبیله‌ای شکل گرفت؛ چراکه نه تنها در آن از قبایل مختلف، بلکه ملت‌های مختلف و ادیان دیگر اعم از ایرانی و آفریقایی و... حضور داشتند؛ در واقعه عاشورا، امام حسین (ع) با جذب عناصری از تبارها، رنگ‌ها و سنین مختلف (از حُرّ تا وهب نصرانی و غلام سیاه و...)، الگویی از «امت تمدنی» را ارائه کرد که در آن «بصیرت مشترک» عامل پیوند است، نه خون و نژاد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۸۵). نمونه‌ها:

۱. زهیربن‌قین: عبور از یک هویت قبیله‌ای به وفاداری به امام؛ مهم‌ترین سند برای این بحث، داستان پیوستن زهیربن‌قین است. در منابع آمده که زهیر ابتدا با امام حسین (ع)

همراه نبود و حتی از نظر گرایش سیاسی، سابقه‌ای متفاوت داشت، اما پس از ملاقات با امام، به او پیوست (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۷۲-۷۳؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۵، ص ۴۰۴ و ۴۱۷؛ ابن‌اثیر ۱۳۸۵ ق، ج ۴، ص ۴۲).

۲. حبیب‌بن‌مظاهر: استفاده از قبیله، برای آرمانی فراتر از قبیله؛ این مورد برای موضوع امت‌سازی حتی جالب‌تر است؛ یعنی مبنای دعوت، آرمانی فراتر از قبیله بود و امت‌سازی بر محور باور و اعتقاد (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۳۸۸). در این گزارش، حبیب، بنی‌اسد را به «شرف آخرت» و یاری فرزند دختر پیامبر دعوت می‌کند. گزارش ادامه می‌دهد که هفتاد نفر به این دعوت پاسخ دادند، اما نیروهای عمر سعد مانع پیوستن آنان به امام شدند (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۲۳۸-۳۸۸؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۹۰).

۳. حربن‌یزید: مهم‌ترین شاهد برای انتخاب براساس و معیار فراقومی و دوری از قبیله‌گرایی؛ حرّ از ابتدا در سپاه امام حسین (علیه‌السلام) نبود، بلکه فرماندهی داشت که مأمور جلوگیری از حرکت امام بود؛ بنابراین داستان او بسیار مهم است. یک فرد از جبهه مقابل، در نتیجه تشخیص اخلاقی و دینی خود، جبهه‌اش را تغییر می‌دهد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۷۷-۷۹). نمونه‌های زیادی از این گرایشات فراقبیله‌ای که امت‌سازی برپایه باورهای دینی را تأیید می‌کند وجود داشته است؛ از ایرانیان فردی به‌نام قارب دیلمی به شهادت رسیده است (حسینی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۴۹-۱۵۶ و ۱۵۲).

بنابراین بی‌گمان نهضت عاشورا، در بستر جامعه قبیله‌ای عرب، نوعی همبستگی فراتر از پیوندهای خونی و قبیله‌ای ایجاد کرد که در آن، وفاداری به امام، حق‌طلبی، دفاع از خاندان پیامبر (علیه‌السلام) و مقاومت در برابر ظلم، به معیارهای مهم همگرایی افراد تبدیل شد (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۷۲-۷۳؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۵، ص ۴۰۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۳۸۸).

۲. اثبات نامشروع بودن حکومت اموی و عباسی

تمدن اسلامی اصیل با همه محتوای فرهنگی و آموزه‌های دینی باید مبانی مشروعی داشته باشد وگرنه مبنای نامشروع برای تمدن نامشروع را نمی‌توان اسلامی دانست؛ مثل تمدن غرب و تمدنی که برپایه ظلم و کشتار بنا شده باشد، نمی‌توان بر آن نام تمدن اسلامی نهاد. مشروعیت یکی از مؤلفه‌های مهم هر دولت و حکومتی است. امام حسین (علیه‌السلام) مشروعیت



حکومت امویان را با توجه به آنچه که از پیامبر ﷺ درباره امام حسین علیه السلام در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده است (ابن قولویه قمی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۷) و اهل سنت «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» (ابن ابی شیبه، ج ۶، ص ۳۸۰؛ ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۶۵۸)، «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حَسِينٌ سَبَطَ مِنَ الْأَسْبَاطِ» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۲۹، ص ۱۰۲؛ بخاری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۳؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۹۴) زیر سؤال برد؛ امویان و عباسیان هر یک برای کسب مشروعیت به مؤلفه‌هایی متوسل شده‌اند. امویان با کشتار کربلا این مشروعیت را که امام حسین علیه السلام مورد تأیید پیامبر ﷺ بود را از بین بردند.

بنابراین قیام امام حسین علیه السلام با توجه به جایگاهی که در نزد پیامبر ﷺ و امت اسلام داشت، استمرار دولت اموی به نام اسلام را به تزلزل انداخت. آنان خود را به اسلام نسبت می‌دادند و مشروعیت ظاهری برای حکومت خود دست‌وپا می‌کردند، اما با قیام امام حسین علیه السلام که مقبول در میان امت بود، مشروعیت امویان مخدوش شد. یزید در آغاز از شهادت امام حسین علیه السلام خوشحال شد، ولی با پایدار شدن، نتیجه معکوس گرفت (سیوطی، بی‌تا، ص ۲۰۸؛ طبری، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۰۶).

این افشای ماهیت نامشروع حکومت‌های اسلامی منحرف، به مسلمانان آموخت که همواره باید میان حکومت و دین تفکیک قائل شوند. این نگاه نقادانه به قدرت سیاسی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فکری نهضت عاشورا برای تمدن اسلامی به‌شمار می‌رود که حکومت‌های اموی و عباسی نامشروع جلوه کرد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۱۲-۴۱۵)؛ بنابراین گفتمان حسینی، مبنایی برای نقد «نظام سیاسی غاصبانه» مبدل شد. در زمان قدرت‌گیری عباسیان، هواداران اهل بیت علیه السلام با استناد به همان آرمان‌های عاشورا، مشروعیت عباسیان را نیز مورد پرسش قرار می‌دادند (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵-۱۸۹). امام حسین علیه السلام با نامه به بزرگان بصره و کوفه، حقانیت (مشروعیت) خلافت اموی را به چالش کشید و آن را یک نظام موروثی غیرمشروع معرفی کرد (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۹۸-۱۰۲).

۳. استعمارستیزی و درس‌های فرهنگی و اجتماعی

سیاست مبتنی بر برده کردن مردم کشورهای که از نظر اقتصادی رشد و توسعه کمتری

دارند، همواره از سوی قدرت‌های استعماری دنبال شده است. استعمارگران با موانع متعدد، رشد و پیشرفت فنی و اقتصادی و فرهنگی این کشورها را محدود می‌سازند. پس از تجزیه امپراطوری عثمانی، استعمارگران پرتغال، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان و... بخش‌هایی از قلمرو عثمانی را جزء مستعمرات خود قرار دادند (حسنلو، ۱۳۸۰، ص ۱۴). دول استعماری برای مقابله با نفوذ ملل اسلامی و جلوگیری از توسعه قلمرو اسلامی، به طرق گوناگون روی آوردند (موثقی، ۱۳۸۱، ص ۷۶-۷۳). از جمله کارهای بنیادی و تهاجمی آن‌ها، ایجاد موج وسیع فرهنگی تبلیغی اسلام‌هراسی است. از روش‌های خرنده و مؤثری که با توجه به گسل‌های موجود در میان فرهنگ‌ها به کار بسته‌اند، فرقه‌سازی است؛ پیدایش بابیت و بهائیت و نقش استعمارگران در روند شکل‌گیری این گروه، مورد اتفاق است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰۲؛ کسروی، ۱۳۵۷، ص ۲۹۱؛ رائین، ۱۳۵۴، ص ۲۹۱؛ آدمیت، ۱۳۵۴، ص ۲۰۸-۲۰۷؛ احسان طبری، ۱۳۵۶، ص ۱۱۹-۱۱۷).

از نمایندگان بین‌المللی در کشورهای اسلامی درباره نقشه‌های استعمارگران در کشورهای اسلامی در حال توسعه می‌نویسد: «حضور استعمار در این کشورها روز به روز پیچیده‌تر می‌شود؛ امروز برخی از نخبگان سیاسی در کشورهای اسلامی و... با طرح توسعه و پیشرفت به تقلید از غرب و جهان سرمایه‌داری توجیه‌پذیر شده و تاکنون هیچ‌گونه نتیجه‌ای از این شعارها برای جهان اسلام و کشورهای عقب‌مانده به دست نیامده است. این‌ها به کشورهای جهان سومی و توسعه‌نیافته موسوم شده‌اند و بحران‌های جدیدتری در انتظار آنهاست (دیورو، ۱۳۷۸، ص ۲۷-۲۵).

فرقه‌سازی نیز به منظور ایجاد جنگ‌های داخلی در این بلاد با دسیسه استعمار است. فرقه‌های تکفیری چون وهابیت آغازکننده این جنگ‌ها بودند. تجزیه قلمرو خلافت اسلامی و اشغال برخی از کشورها در آفریقا و آسیا، مقدمه‌ای بود تا مرزهای مصنوعی استعمارساخته، علاوه بر فرقه‌سازی‌ها، عاملی مستمر برای تنش بین ممالک اسلامی باشد (حسنلو، ۱۳۹۴، ص ۱۳-۲۵). علمای شیعه با الهام از نهضت امام حسین (علیه السلام) برای مبارزه با این ظلم‌گستری و استعمارگری شروع به تشکیل نهضت‌های آزادی‌بخش و استعمارستیز کردند و این نهضت‌ها از بلاد شیعه شروع شد تا در مناطق و بلاد اسلامی دیگر نیز گسترش یافت؛ لذا



بی‌تردید از دستاوردهای مهم قیام امام حسین علیه السلام که در تمدن اسلامی و سرنوشت تاریخ و امت اسلامی بسیار کارساز بود، زنده شدن روح مبارزه با بیگانگان و پویایی شعار شهادت‌طلبی است. این رویش در طول قرون مختلف، به‌ویژه قرون و سده‌های اخیر در میان شیعیان و پیروان اهل‌بیت علیه السلام جلوه‌گر شد (عمیدزنجانی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴). تمام نهضت‌های ضداستعماری در اسلام، ملهم از مکتب سیدالشهدا است. شیعه به رهبری فقها و علما پیشرو این مبارزات ضداستعماری است؛ چرا که شیعه در ایران و عراق و سپس به‌تبع شیعه این قیام‌ها در میان مسلمانان ممالک دیگر نیز شروع شد. قیام‌های شبه‌قاره و قیام‌های دیگر مسلمانان در مقابل استعمار، همه برآمده از ذات و آموزه‌های اسلامی است که امام حسین علیه السلام از آن‌ها پاسداری نمود و آن‌ها را عملی کرد (شمس‌الدین، ۱۴۰۰، ص ۲۵۶).

نهضت‌های اسلامی در آفریقا از مصر- تا لیبی و الجزایر، تحت تأثیر قیام‌های ضداستعماری علمای شیعه بوده است که متأثر از نهضت امام حسین علیه السلام بود که این استعمارگران را از ممالک اسلامی بیرون راندند و مقاومت در برابر سلطه‌گران، تداوم یافته است (شمس‌الدین، ۱۴۰۰، ص ۲۵۵-۲۶۶).

۴. مقاومت در برابر هژمونی استکباری (جبهه مقاومت)

تمدن اسلامی بدون قدرت بازدارندگی و روحیه مقاومت، امکان استمرار ندارد. عاشورا آموزگار این درس است که جامعه تمدنی باید «هزینه استقلال» را بپردازد تا در ساختار ظالمانه جهانی هضم نشود. این همان مؤلفه «عزت اجتماعی» است که مانع از استحاله فرهنگی در برابر دشمن می‌شود (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۲۸ بهمن ۱۳۹۴). بدین معنا باید تأکید شود که مقاومت در تمدن اسلامی کنش‌ساز است، نه این‌که فقط بخواهد از چیزی قدیمی دفاع کند و صرف دفاع از گذشته نیست. جبهه مقاومتی که در جهان اسلام و متأثر از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته دقیقاً به همین مفهوم و مبناست که منفعل نیست و همانند حاکمان کشورهای اسلامی که مقهور سیاست‌های غرب و تحقیر شده در مقابل تمدن مادی غرب هستند و هیچ‌گونه کنشی در مقابل دخالت‌های غرب در امور سیاسی و اقتصادی و... خود ندارند، نیست. دقیقاً همانند

آنچه که امروز بر آن‌ها می‌گذرد که امکانات و خاک کشورهای خود را در اختیار رژیم کودک‌کش قرار داده‌اند تا به منافع جمهوری اسلامی که مرکز مقاومت‌ساز جهان اسلام است مورد تهاجم قرار دهد.

بنابراین تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که برخلاف تمدن‌های وابسته به غرب و استکبار در برابر تحمیل نظم‌های جهانی ناعادلانه و سلطه‌گری‌های ساختاری که بر مبنای اندیشه‌های مادی شکل گرفته، از خود دفاع می‌کند.

نهضت عاشورا در جوهر خود، یک حرکت «ضدسلطه‌گری و طغیان» است. امام حسین (علیه السلام) در مواجهه با قدرت یزید، نه تنها با یک حاکم، بلکه با یک «نظام استکباری» که می‌کوشید ارزش‌های انسانی و دینی را در خدمت منافع طبقه حاکم و تخریب دین قرار دهد، مقابله کرد و بر نفی مشروعیت ساختار استکباری یزید و جریان اموی اقدام نمود و با انقلاب و جهاد خود اسلام اصیل را نمایان کرد (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۵۴ و ۵۸). امتناع امام از بیعت، در واقع نفی مشروعیت ساختاری بود که از طریق قدرت و تزویر، امویان بر جامعه اسلامی مسلط شده بودند. این رویکرد، الگوی اصلی «جبهه مقاومت» است که برپایه اصل «نفی سلطه‌پذیری» و «تثبیت حاکمیت حق» بنا شده است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲-۱۱۵).

از منظر تمدن‌سازی، مقاومت فعال منجر به شکل‌گیری «جبهه مقاومت» می‌شود؛ مجموعه‌ای از نیروها و ساختارهای اجتماعی که هدفشان بازپس‌گیری حق تعیین سرنوشت و ایجاد نظم جهانی عادلانه است. این جبهه، فراتر از یک آرایش نظامی، یک «بنیان تمدنی» است که از طریق خوداتکایی، انسجام فراملی و حفظ هویت مستقل، از فروپاشی و مستهلک شدن امت در برابر جریان جهانی‌سازی جلوگیری می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۵. عدالت‌خواهی؛ هسته مرکزی مشروعیت حکمرانی

از نگاه تمدنی، قیام عاشورا طغیان علیه انحراف ساختار قدرت از مسیر عدالت بود. امام حسین (علیه السلام) در منشور خود تأکید می‌کند که حاکم مشروع کسی است که به «کتاب خدا» و «عدالت» پایبند باشد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق، ص ۲۴۵).

در تمدن نوین اسلامی، عدالت، شاخص اصلی قضاوت مردم نسبت به کارگزاران است.



یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی تمدن نوین اسلامی، «عدالت‌خواهی» است؛ مؤلفه‌ای که نه تنها غایت تشکیل حکومت دینی را تبیین می‌کند، بلکه معیار اصلی سنجش مشروعیت و کارآمدی حکمرانی نیز به‌شمار می‌رود. در اندیشه اسلامی، حکومت صرفاً سازوکاری برای حفظ نظم یا اعمال قدرت نیست، بلکه ابزاری برای اقامه قسط، صیانت از کرامت انسان و جلوگیری از استیلاي ظلم و تبعیض است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ... لِيُقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). ازاین‌رو هرگاه ساختار سیاسی از عدالت فاصله بگیرد و به بازتولید تبعیض، فساد و استثمار قدرت منجر شود، از مبنای اصیل مشروعیت دینی و اجتماعی خود دور می‌شود؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر در راستای تبیین وظایف حاکم، عدالت نسبت به مردم، پرهیز از خودکامگی و رعایت حقوق عمومی را محور اداره جامعه می‌داند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

خاستگاه عاشورایی: نهضت امام حسین (علیه السلام) را باید واکنشی بنیادین به انحراف عدالت در نظام سیاسی اموی دانست. آن حضرت در وصیت‌نامه و نیز در بیانات مختلف خود، هدف از قیام را «طلب اصلاح در امت» «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي...» همچنین حرکت بر سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مبنای قیام خود معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۲۹). تعبیری که به‌روشنی دلالت بر احیای عدالت از دست‌رفته در جامعه اسلامی دارد. در واقع مسئله اصلی عاشورا صرفاً اعتراض به یک شخص نبود، بلکه مقابله با نظامی سیاسی بود که در آن بیت‌المال، قانون، منزلت اجتماعی و دین، در خدمت سلطه و تبعیض قرار گرفته بود؛ چنان‌که شهید مطهری این‌گونه تحلیل می‌کند که عاشورا قیام علیه تحریف دین و تبدیل خلافت به سلطنت بود، نه صرفاً نزاعی شخصی یا عاطفی (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۸۵). از این منظر عاشورا را می‌توان تجلی تاریخی عدالت‌خواهی در برابر حکمرانی جائر دانست.

در افق تمدن نوین اسلامی، عدالت‌خواهی صرفاً یک فضیلت اخلاقی فردی نیست، بلکه قاعده سازمان‌دهنده حیات اجتماعی و سیاسی است. جامعه‌ای که در آن توزیع فرصت‌ها، دسترسی به حقوق، اجرای قانون و بهره‌مندی از منابع عمومی بر مدار عدالت تنظیم نشود، هرچند از پیشرفت‌های مادی برخوردار باشد، از درون دچار فرسایش سرمایه اجتماعی و

بحران مشروعیت خواهد شد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱-۲۱۸). بر این اساس عدالت‌خواهی شرط لازم برای شکل‌گیری اعتماد عمومی، مشارکت مردمی، مقبولیت سیاسی و ثبات تمدنی است. در چنین چارچوبی حکمرانی عادلانه به معنای مقابله با فساد، تبعیض، اشرافی‌گری، انحصار قدرت و محروم‌سازی اجتماعی است و هرگونه تمدن‌سازی اسلامی، بدون نهادینه‌سازی عدالت به صورت‌بندی ناقص و ناپایدار فروکاسته خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۸-۶۰، خسروپناه، ۱۴۰۰، ص ۱۵۷-۱۶۵).

ج) دستاوردهای اجتماعی نهضت عاشورا برای تمدن اسلامی

این دستاوردها را می‌توان در دو بخش دید و مورد بررسی و توجه قرار داد؛ دستاوردهای اجتماعی که برای تمدن اسلامی در گذشته و قرون قبل از تجزیه ممالک اسلامی ایجاد شد و دستاوردهایی که برای تمدن نوین اسلامی که در نگاه اندیشمندان معاصر، نه صرفاً انباشت تکنولوژی، بلکه «نظام‌سازی اجتماعی برپایه ارزش‌های مکتبی» است. قیام عاشورا به مثابه یک «نقطه عطف تمدنی»، مؤلفه‌های اجتماعی زیر را برای ساخت این تمدن ارائه می‌دهد.

۱. تجلی ذات اسلام واقعی

یکی از دستاوردهای مهم تمدنی نهضت حسینی، تمایز و تفکیک اسلام ناب از اسلام تحریف شده و اسلام اموی بود. خط و نشانی که پیامبر به دستور الهی برای آینده اسلام پس از خود ترسیم کرده بود به‌درستی پیش نرفت و راه دگرگون شد. بدعت‌ها و دگردیسی‌ها راه را تغییر داد و به‌تدریج همین روش و راه برای تازه‌مسلمانان و جامعه اسلامی به‌عنوان دین حقیقی معرفی می‌شد؛ به‌ویژه پس از به حکومت رسیدن حکام نامشروع اموی رنگ و چهره اسلام حقیقی به انحراف و بی‌راهه می‌رفت؛ لذا اگر قیام حسینی نبود، اسلام حقیقی و دین اصیل پیامبر ﷺ و راه واقعی با اسلام اموی در یک چهره نمایان می‌شد و همه اصول دگرگون می‌شد. تمدنی را می‌توان اسلامی نامید که برآمده از ذات اسلام واقعی باشد، نه اسلام اموی و عباسی. مهم‌ترین اثر قیام عاشورا، تمایزی است که ذات اسلام واقعی را نمایان نمود (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۰-۲۳۵) براین اساس شرایط سیاسی و اجتماعی پس از پیامبر ﷺ و دلایل ضرورت تاریخی قیام برای زنده نگه‌داشتن حقیقت دین، یک ضرورت



است که این عملکرد در قیام حسینی محقق شد (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰-۱۸۲).

قیام حسینی تأثیر انتقادی ماندگار بر نگاه مسلمانان به حاکمان خود برجای گذاشت. بر اثر قیام امام حسین علیه السلام ماهیت حقیقی تمام خلفای پس از حضرت، بلکه پیش از حضرت نیز کشف شد و لذا خلفای دیگر از امویان، عباسیان و عثمانیان نتوانستند کارهای نامشروع خود را به نام اسلام انجام دهند (الکعبی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۴). شهید مطهری به تحلیل ضرورت قیام برای اصلاح «امت» و بازگرداندن اسلام از مسیر انحرافی دستگاه اموی به مسیر اصیل نبوی می‌پردازد و بر این باور است که اسلام اصیل نمایان شد (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۴۵-۴۷).

۲. ایجاد همگرایی بین پیروان اهل بیت علیهم السلام

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تمدنی نهضت امام حسین علیه السلام سازمان‌دهی و هویت‌بخشی به پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بود. این نهضت، گروهی را که پیش از آن پراکنده و فاقد انسجام بودند، به شکلی منسجم و سازمان‌یافته درآورد و آنان را به جهانیان معرفی کرد. مصری می‌نویسد: «کشته شدن امام حسین علیه السلام در تهییج مسلمانان و همبستگی و وحدت‌بخشیدن به آن‌ها تأثیر بسیاری داشت. قبل از این رخداد، جمعیت مسلمانان و شیعیان پراکنده بودند؛ زیرا شیعه‌گری یک نظریه سیاسی بود که در دل پیروان خود نفوذ نکرده بود و هنگامی که امام حسین علیه السلام کشته شد، شیعه‌گری با خون آمیخته گشت و در اعماق قلوب شیعیان نفوذ کرد و عقیده راسخ آنان شد (حسن ابراهیم، ۱۹۶۴ م، ج ۱، ص ۳۹۹).

خاورشناسان این قیام را الهام‌بخش معرفی کرده و تأثیر عمیق آن بر تاریخ و تمدن اسلامی را با تحسین ستوده و نوشته‌اند. گروه شیعه پیش از عاشورا به اندازه کافی هیجان و از خودگذشتگی نداشتند، اما پس از آن، عواطف آنان به گونه‌ای برانگیخته شد که نسبت به رنج و خطر در راه آرمان، فعال شدند (حسن ابراهیم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۶۵۲).

نیکلسن می‌نویسد: «حادثه کربلا مایه پشیمانی و تأسف امویان شد؛ زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام حسین هم‌صدا شدند و صدای آنان در همه‌جا و مخصوصاً عراق و بین ایرانیانی که می‌خواستند از نفوذ عرب آزاد شوند، انعکاس یافت»

(همان، ج ۱، ص ۳۶۵۲). این اتحاد، فراتر از مرزهای جغرافیایی و قومی، نه تنها شیعه، بلکه توانست مسلمانان را در دفاع از آرمان‌های اصیل اسلامی گرد هم آورد. فیلیپ حتی، مورخ مسیحی معتقد است: فاجعه کربلا سبب جان گرفتن و بالندگی شیعه و افزایش هواداران آن مکتب شد، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که آغاز حرکت شیعه و ابتدای ظهور آن، روز دهم محرم بود (فیلیپ حتی، ۱۹۹۴ م، قسم ۳، ص ۲۵۱). همه قیام‌های پس از عاشورا ملهم از نهضت حسینی بود.

۳. ایجاد روح وحدت و همبستگی بین مذاهب اسلامی

افزون بر شیعه، دیگر فرق اسلامی نیز با الهام از نهضت حسینی ظلم‌ستیزی را آموختند؛ لذا می‌توان گفت یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای تمدنی نهضت امام حسین (علیه السلام) ایجاد و تقویت روح وحدت و همبستگی در میان مسلمانان بود. قیام عاشورا در حقیقت مشعل فروزانی برای شیعیان و سرمشقی برای قیام‌های علویان در طول تاریخ گردید. بنابراین قیام عاشورا نیروهای پراکنده شیعه را متحد ساخت و زمینه همبستگی سیاسی بین امت اسلام از جهت مبارزه با ظلم و قیام در برابر ظالمان را ایجاد کرد؛ نمونه این همبستگی شرکت و حضور اهل سنت در قیام‌های ظلم‌ستیزانه نظیر قیام زید بود که ابوحنیفه ضمن این که پیروان خود را ترغیب به شرکت کرد از این قیام حمایت جدی نمود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ فخررازی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۶۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۶-۴۴۵؛ سیوطی، بی‌تا، ص ۵۲۵). نهضت امام حسین (علیه السلام) ضمن ایجاد همبستگی بین مذاهب اسلامی تشکیلات منسجم آنان را نیز فراهم آورد؛ خربوطی می‌نویسد: «شهادت امام حسین (علیه السلام) بزرگ‌ترین حادثه تاریخی بود که منجر به تشکیل و تبلور شیعیان گردید و سبب شد که شیعه به عنوان یک سازمان قوی با مبادی و مکتبی سیاسی و دینی مستقل، در صحنه اجتماع اسلام آن روز جلوه کند» (خربوطی، ۱۳۵۷، ص ۷۳). این سازمان‌یافتگی، زمینه را برای شکل‌گیری هویت مستقل شیعی و نقش‌آفرینی آن در همه مذاهب اسلامی و ایجاد ارتباط بین امت و در نهایت تمدن اسلامی فراهم ساخت. دیگر فرق امت اسلامی نیز به پیروی و تحت تأثیر مبارزات شیعه به بازیابی هویت واقعی خود رسیدند و این تأثیرپذیری زمانی رخ نمود که استعمار برای تجزیه قلمرو اسلامی و

بی‌هویت کردن ملل مسلمانان تلاش کرد. در این برهه مبارزات ضداستعماری در آفریقا از مصر تا لیبی، شبه‌قاره، عراق، لبنان و شامات و در میان رهبران و جوانان اهل سنت شکل گرفت و این روند آغازی بود برای مبارزات ضداستعماری و بیداری ملل اسلامی و الهام گرفتن از نهضت حسینی در مبارزه با ظلم و استبداد و استعمار (دونی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲-۲۱۵؛ هیکل، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲-۹۸).

۴. امر به معروف به عنوان زیرساخت امنیت اجتماعی

در افق تمدنی عاشورا، سکوت در برابر فساد حاکمان، فروپاشی اخلاقی جامعه را به همراه دارد؛ امام حسین (ع) با تکیه بر فریضه امر به معروف، «نظارت عمومی» را از امر فردی به مطالبه اجتماعی برای سلامت نظام حکمرانی ارتقا داد (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳). این مؤلفه، زیربنای «جامعه مسئول» در تمدن اسلامی است. تردیدی نیست که تمدن اسلامی آن‌گاه بالندگی، رشد و شکوفا دارد که امت اسلام به دستورات قرآن کریم پای‌بند باشند. قرآن بیش از ۲۷ بار به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و اصلاح فرد، خانواده، جامعه و جهان را از این روش ممکن می‌داند. یکی از صفات مؤمنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه، ۷۱).

قیام امام حسین (ع) و مکتب حسینی، یکی از عناصر مهم شکوفایی تمدن اسلامی را در خود داشت که همواره در تاریخ این عنصر با الهام از قیام حضرت تکرار یافته است. امام حسین (ع) به تأسی از قرآن می‌فرماید: «شایسته نیست که انسان مؤمنی گنهکاری را ببیند و او را نهی ازمنکر نکند» (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۸۵، ح ۵۶۱۴).

بنابراین یکی از اساسی‌ترین شعارهای امام حسین (ع) در جریان نهضت خود، امر به معروف و نهی از منکر بود که در وصیت خود به محمد حنفیه به آن اشاره می‌کند: «وَأَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ». طبق این شعار، مسئله در جریان کربلا این نبود که چون از امام حسین (ع) بیعت خواسته‌اند و او بیعت نکرده، سپس قیام می‌کند، بلکه اگر بیعت هم نمی‌خواستند، باز هم قیام و حرکت اعتراضی را لازم می‌دانست؛ چرا که طبق احادیث و

روایات، جهاد با اهل منکر نیز لازم است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۵).

با این شرایط که مفسدی در جایگاه پیامبر نشسته، جلوگیری از این منکر بزرگ جز با امر به معروفی که خون‌ها در آن باید ریخته می‌شد، امکان‌پذیر نبود. اگر امام این امر به معروف را ترک کرده بودند و جزء شعارهای خود قرار نداده بودند، به‌طور حتم و یقین هیچ اثری از اسلام ناب و دین خدا باقی نمی‌ماند. وظیفه‌ای که امام در مقابل دین خدا و اسلام داشت، ایجاب می‌کرد که در هر شرایطی از دین خدا و اسلام پاسداری کند، حتی اگر در این راه به شهادت برسد (مطهری، ۱۳۶۰، ص ۳۴).

بنابراین یکی از کلیدی‌ترین سازوکارهای صیانت از پویایی، سلامت و پایداری جامعه و تمدن در مبانی دینی و اندیشه اسلامی، نهادینه کردن نظارت همگانی در قالب فریضه امر به معروف است؛ از منظر جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی دین، امنیت اجتماعی نه صرفاً و منحصرأً از طریق ابزارهای پلیسی و امنیتی و حاکمیتی قابل تأمین است، بلکه بیش از هر چیز از معبر «مشارکت فعال شهروندان» و «مسئولیت‌پذیری متقابل اجتماعی که مصداقی از تعاونوا علی البر است، عبور می‌کند (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲-۱۴۵). نظارت همگانی در الگوی اسلامی، نقشی پیشگیرانه و ترمیمی در برابر کج‌رفتاری‌های اجتماعی، انحرافات ساختاری و حتی فسادهای حکومتی و اداری ایفا کرده و مانع از فروپاشی اخلاقی و فرسایش سرمایه‌های اجتماعی و افول ارزش‌های دینی می‌گردد؛ به تعبیری علمی، سیستم ایمنی‌بخش جامعه است که با فعال بودن آن، سلامت و طهارت معنوی و مادی امت تضمین می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰-۲۸۵).

خاستگاه عاشورایی: قیام امام حسین (علیه السلام) عالی‌ترین جلوه تاریخی کاربرست نظارت همگانی برای نجات جامعه از سقوط اخلاقی و سیاسی است. آن حضرت پیش از حرکت به سوی کربلا، هدف بنیادین حرکت خود را اقامه همین فریضه اعلام می‌دارد: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۲۹). در این رویکرد، امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به حوزه عبادی یا اخلاق فردی محدود نمی‌شود، بلکه ابزاری است برای اصلاح کلان‌ترین نهادهای سیاسی و اجتماعی جامعه که به انحراف کشیده شده‌اند. امام حسین (علیه السلام) با فداکاری خود نشان داد که سکوت جامعه در برابر انحراف



ساختار حاکمیت، در نهایت به نابودی امنیت اخلاقی، معنوی و فیزیکی آحاد جامعه منجر خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۷۸).

تحلیل تمدنی: در چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی، تحقق امنیت پایدار بدون نظارت همگانی فعال غیرممکن است. این اصل به‌عنوان یک «زیرساخت نظارتی غیرمتمرکز» عمل می‌کند که در آن هر شهروند خود را در قبال سرنوشت کل جامعه و صیانت از ارزش‌ها و حقوق عمومی مسئول می‌داند؛ چنان‌که برخی از دانشمندان و حقوق‌دانان و سیاست‌دانان معاصر، ساختار حقوقی و فقهی نظارت همگانی را به‌عنوان یکی از اصول تفکیک‌ناپذیر قانون اساسی اسلام و زمینه‌ساز نظارت مردم بر دولت تحلیل کرده است (زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۸). از منظر تمدن‌سازی، غفلت از نظارت همگانی منجر به ایجاد «شکاف دولت‌ملت» بی‌تفاوتی اجتماعی و رخنه فساد در ارکان تصمیم‌ساز می‌شود. حال آن‌که جریان یافتن این اصل پویا، نوعی خودتنظیم‌گری اجتماعی ایجاد می‌کند که امنیت روانی، اخلاقی و اقتصادی را در سایه اقتدار مدنی ناشی از تعهد جمعی تضمین می‌سازد (خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۹ خرداد ۱۳۸۵).

۵. نقش مکمل زنان و حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی

عاشورا بدون حضور حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و امام سجاد (ع)، ابتر می‌ماند. این واقعه نشان داد که تمدن اسلامی برای تثبیت دستاوردهای خود به «جهاد تبیین» نیاز دارد؛ مهم‌تر این‌که زن در این نهضت تمدنی، نه یک عنصر منفعل، بلکه «معمار روایت حقیقت» و ضامن بقای پیام انقلاب است (صدر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). زنانی از میان بستگان و یاران امام حسین (ع) همانند ام‌وهب مادر وهب مسیحی و زن زهیربن‌قین که در تشویق او به شرکت در حماسه حسینی و همراهی با امام نقش برجسته داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۹۸، ص ۱۱۸) و خواهران دیگر و همسران امام حسین (ع) همسری چون رباب که نوزادش در راه دین و مقاومت و شکوفایی تمدن اسلامی قربانی این هدف مقدس شد، با صبر و پایداری برای همه زنان به‌عنوان نقش‌آفرین الگو و سرمشق هستند که زنان غزه و مادران مدرسه میناب از این الگوها درس گرفته و صبر پیشه می‌نمایند. همچنین رنجی که کودکان و دخترانی که در کربلا همراه امام بودند کشیدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۵،

ص ۱۸۲) مانند دختران خود امام علیه السلام که منابع به حضورشان تصریح کرده‌اند: سکینه و فاطمه (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۸۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۴، ص ۸۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۹۱؛ مزّی، ۱۴۰۲ ق، ص ۲۵۴) و رقیه تا پایان دوران اسارت و شام که در آن به شهادت رسید و مزارش در شام است (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۹؛ ابن طولون، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۲۸) نیز الگوبخش برای جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی است.

سخن پایانی

جامعه و تمدنی که شخصیتی مانند حسین بن علی علیه السلام دارد مملو از افتخار، حماسه، عظمت، زیبایی، آموزندگی و الهام بخشی است و بدون شک مکتب حسینی که سراسر درس برای همه بشریت و تمدن بشریت است، نه تنها در بعد سیاسی و اجتماعی، بلکه در ابعاد گوناگون زندگی، تمدنی و فرهنگی، راه نجات این امت است. مکتب و نهضت حسین علیه السلام در خود آموزه‌های بزرگ تمدنی همچون امر به معروف و نهی از منکر، توحید و یکتاپرستی، جهاد و مبارزه، مساوات و برابری، شجاعت و جوانمردی، ایثار و از خودگذشتگی، رأفت و رحمت الهی دارد. آن چنان که از سوره شعراء برمی آید، ظهور پیامبران در فترت‌ها به علت شیوع مفساد بوده است، ولی ما می‌بینیم مکتب زنده حسین علیه السلام ظهور حسین است در همه اعصار، یعنی در هر سال و هر محرم امام حسین علیه السلام به صورت یک مصلح بزرگ و عالی ظهور می‌کند و این فریاد از آزادی و آزادگی را به گوش جهانیان می‌رساند که «مرگ به از زندگی ننگین است».

در نهایت نهضت امام حسین علیه السلام را باید نقطه عطفی در تاریخ تمدن اسلامی دانست که با تأثیرات ژرف و چندلایه خود، مسیر این تمدن را برای همیشه دگرگون ساخت. این نهضت با ایجاد وحدت، افشای چهره واقعی حکومت‌های منحرف، ترویج امر به معروف، الگوسازی برای مبارزه با استعمار و استبداد و ارائه درس‌های ماندگار فرهنگی و اجتماعی، میراثی گرانبها برای نسل‌های امروز و آینده مسلمانان به یادگار نهاده است. تداوم این آموزه‌ها در طول تاریخ، نشان از زنده بودن و پویایی این مکتب دارد که همچنان می‌تواند راهگشای جوامع اسلامی در مواجهه با چالش‌های معاصر باشد.

منابع

۱. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، تحقیق علی شیر، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل أبی طالب، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن طاووس، علی، اللهوف فی قتلى الطفوف، قم: انوار الهدی، ۱۳۴۸.
۸. ابن طولون، شمس الدین محمد، الشذرات الذهبية فی تراجم الأعیان من المائة التاسعة، بیروت: دارالبشائر، ۱۴۱۶ ق.
۹. ابن قولویه قمی، جعفر، کامل الزیارات، تصحیح جواد قیومی، چ ۱، قم: نشر الفقه، ۱۳۷۶.
۱۰. اصفهانی، ابوالفرج علی، مقاتل الطالبیین، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۶۸ ق.
۱۱. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، الأدب المفرد، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. بلاذری، احمد، انساب الأشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. بند نبی، مالک، شروط نهضت، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر؛ چ ۲، تهران: انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۷۵.
۱۴. پارسانیا، حمید؛ پیمان، حدیث؛ پژوهشی در انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی، تهران: کتاب صبح، ۱۳۹۲.
۱۵. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، چ ۲، قاهره، ۱۳۹۵ ق.
۱۶. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، چ ۳، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۵.
۱۷. جواد آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.
۱۸. جواد آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: اسراء، ۱۳۸۱.



۱۹. حاجی نوری، حسین، **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. حسن ابراهیم، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶.
۲۲. حسنلو، امیرعلی، **استبداد استعمار و بهائیت**، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۰.
۲۳. حسینی جلالی، محمدرضا، **تراثنا، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث**، شماره ۲، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی**، ۲۸ بهمن ۱۳۹۴.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی**، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۷.
۲۶. خربوطی، دکتر، **انقلاب‌های اسلامی**، ترجمه عبدالصاحب یادگاری، تهران: کانون انتشاراتی چهره اسلام، ۱۳۵۷.
۲۷. خسروپناه، عبدالحسین، **فلسفه قدن نوین اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰.
۲۸. خوارزمی، موفق‌بن‌احمد، **مقتل‌الحسین**، تحقیق محمد سماوی، قم: انوارالهدی، ۱۴۱۸ ق.
۲۹. دورانت، ویل، **تاریخ قدن**، ترجمه احمد آرام و دیگران، چ ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۳۰. دّونی، علی، **جنبش‌های اسلامی در جهان عرب**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۳۱. دیورو، افسانه، **توسعه**، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: انتشارات توسعه، ۱۳۷۸.
۳۲. رائین، اسماعیل، **انشعاب بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۳۳. زنجانی، آیت‌الله عباسعلی عمید، **انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، تهران: نشر- کتاب



- سیاسی، ۱۳۶۰.
۳۴. زنجانی، آیت الله عباسعلی عمید، **فقه سیاسی**، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۳۵. سبط بن جوزی، یوسف بن قزواغلی، **تذکرة الخواص فی الامة بذكر خصائص الائمة**، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. سنگری، محمدرضا، **فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس**، چ ۱، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۵.
۳۷. سیوطی، جلال الدین، **تاریخ الخلفاء**، قاهره: نشر مطبعة المدنی، بی تا.
۳۸. شمس الدین، محمد مهدی، **ثورة الحسین**، بیروت: نشر دارالتعارف، ۱۴۰۰ ق.
۳۹. شهیدی، سیدجعفر، **پس از پنجاه سال**، چ ۲۷، تهران: دفتر نشر- فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۰. شیخ الاسلامی، جواد، **خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ**، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳.
۴۱. صدر، سید محمدباقر، **سنت های تاریخ در قرآن**، ترجمه سید جمال موسوی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰.
۴۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ **الأمالی**، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۴۳. طباطبایی، سید محمدحسین، **بررسی های اسلامی**، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۴۴. طبرانی، **المعجم الكبير**، مكتبة ابن تیمیة، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۴۵. طبری، احسان، **جامعه ایران در دوران رضاشاه**، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۵۶.
۴۶. طبری، عمادالدین حسن بن علی، **کامل بهائی (بهاء الدین)**، چ ۱، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۳.
۴۷. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الأمم و الملوك**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۲، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۴۸. علایی، حسین، **تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق**، چ ۱، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۹۱.
۴۹. فخر رازی، **جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون**، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار،

تهران ۱۳۸۲ / ۲۰۰۴ م.

۵۰. فهیمی، سیدمهدی، فرهنگ جبهه، تهران: نشر فرهنگ گستر، ۱۳۷۹.
۵۱. فیلیپ حتی، تاریخ العرب، چ ۹، بیروت: دار غندوز، ۱۹۹۴ م.
۵۲. قرشی، باقرشریف، پژوهشی در زندگی امام حسین (علیه السلام)، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۵۳. قمی، شیخ عباس، دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم)، قم: انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۹.
۵۴. کلینی؛ الشیخ محمدبن یعقوب، الکافی، المحقق / المصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، رقم الطباعة: الرابعة، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۵۵. کسروی، احمد، بهائی گری، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۵۷.
۵۶. کعبی، عبدالزهراء، نهضة الحسين، بیروت: نشر دارالکتب و العترة، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چ ۳۲، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.
۵۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
۵۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶۰. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، تهران: انتشارات طهور، ۱۳۸۹.
۶۱. مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۲ ق.
۶۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چ ۴۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۳.
۶۳. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۶۴. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چ ۲۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.
۶۵. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.
۶۶. مطهری، مرتضی، نهضت امام حسین (علیه السلام)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۶۷. مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، چ ۲۵، تهران: انتشارات

صدرا، ۱۳۸۴.

۶۸. مفید، محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت،

قم، ۱۴۱۳ ق.

۶۹. موثق، سیداحمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات دفتر نشر- فرهنگ

اسلامی، ۱۳۷۰.

۷۰. موسوی مقرر، عبدالرزاق، رهبر انقلاب خونین کوفه، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸.

۷۱. هاشمی‌نژاد، شهید عبدالکریم، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، چ ۲، مشهد:

شرکت به نشر، ۱۳۸۳.

۷۲. هیکل، محمدحسین، مصر و انقلاب ۱۹۱۹، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات

کویر، ۱۳۸۴.

